

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بر دیا

۲۵.۰۷.۱۰

سلام

یازده کنگره قلبی!! اما کماکان این آقایان نمی توانند به خیانت های سی ساله خود اعتراف کنند
یا حتی اشاره ای به مواضع فاجعه بارشان که درجه خیانت را در جنبش چپ به ارش اعلا رسانده است

بر دیا

اعلامیه

به تمامی اعضاء و هواداران سازمان فدائیان خلق

شورای سیاسی فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ما با یادآوری و باور به این مسأله که هر کسی در تغییر اعتقاد و باور خود، در تغییر مواضع، خط و مشی و نقطه نظرات خود آزاد است و هیچ کسی را نمی-توان به پایبندی دائمی به یک عقیده و نظر و یا امتناع از آن وادار ساخت، بر این نکته مصرراً تأکید داریم که، فعالیت در چهارچوب احزاب و سازمانهای سیاسی، خواه تشکلهای بورژوائی، خواه تشکلهای چپ و کارگری، رعایت اساسنامه و برنامه آنها را الزامی می-سازد. برنامه و اساسنامه-ای که بر مبنای جهان-بینی و اعتقاد، آماج و آرمانهای طبقاتی مورد قبول آنها تنظیم و تدوین می-گردد و هر گونه تخلف از آنها، نفی و تغییر جهان-بینی و اعتقاد، آماج و آرمانهای طبقاتی در هر تشکل سیاسی از سوی هر شخصی، فعالیت غیرمجاز، ناپسند و خلاف نرمها و اخلاق سیاسی محسوب می-شود.

در احزاب بورژوائی کسی که جهان-بینی چپ را می پذیرد، فعالیت خود را در آن متوقف ساخته، به تشکلهای چپ می پیوندد. همچنین افرادی که در احزاب و سازمانهای چپ به قبول اعتقادات و نظریات بورژوائی می رسند، همین سنت جدائی از تشکیلات خود و پیوستن به احزاب بورژوائی را رعایت می-کنند. در صورت تخلف از این سنت پذیرفته شده، چه کمونیستها در درون تشکلهای بورژوائی و چه پیروان نظریات بورژوائی در احزاب و سازمانهای

چپ، بعنوان عنصر حامل باورهای مخالف و در بدترین حالت، بعنوان عنصر نفوذی و مخرب شناخته شده و از تشکیلات اخراج می شوند.

با توضیح و تفسیر فوق، لازم به یادآوری می-دانیم که، سازمان چریکهای فدائی ایران، در ۹ بهمن ماه سال ۱۳۴۹، بر مبنای اعتقاد به جهان-بینی مارکسیستی - لنینیستی و ایمان به رهایی طبقه کارگر از قید سرمایه-داری و استثمار، اعلام موجودیت کرد.

سازمان چریکهای فدائی ایران، در روند تکوین و تکامل خود به علل روشن طبقاتی به سازمانها و گروههای متعدد تقسیم و تکه-پاره گردید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، یکی از این سازمانها و در زمان خود، بزرگترین میراث-دار آن بود که در مسیر حرکت خود به کوچکترین و کم شمارترین آنها تبدیل گردید. در پروسه تحلیل رفتن خود سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز، هم عوامل عینی و هم عوامل ذهنی در پیوند دیالکتیکی باهم دخیل بودند. هر دو وجه این عوامل بویژه در رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همان اولین انشعاب به شدت به چشم می-خورد. بخش اصلی رهبری این سازمان که خاستگاه فئودالی - بورژوازی دارند، پایبندی به منشاء طبقاتی خود را بتدریج نشان داده و بصورت بطئی از آماجها و آرمانهای اولیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کاملاً فاصله گرفتند، نظریه مارکسیستی - لنینیستی را کنار گذاشته و بمنظور نفی تضادهای طبقاتی موجود در جامعه ایران، آن را با عنوان «شکاف بین سنت و تجدد» در برنامه خود گنجانیدند. هر کسی که تراوشات فکری برنشتاین و امثالهم را خوانده باشد، به کهنگی و گنبدگی این فرمولبندی بظاهر نو و همه آنچه را که رهبری غیرمنتخب سازمان در برنامه پیشنهادی خود به کنگره یازدهم با عنوان «نو»، «جدید» و «مدرن» تعریف کرد، پی می-برد. بدین ترتیب، رهبری سازمان، انحراف و عدول از اهداف و آرمانهای عدالت طلبانه، آزادیخواهانه و انسان-محورانه جنبش فدائی را در ورای همان الفاظ مسخ شده «دمکراسی و حقوق بشر» پنهان می-کند، که نظریه پردازان ارتجاع امپریالیستی با هدف کتمان تضادهای طبقاتی و انحراف اذهان عمومی از آشتی-ناپذیری منافع طبقات استثمارگر و استثمارشونده و دیگر اقشار زحمتکش و محروم جامعه در جلو چشمان مردم آویخته-اند.

در جریان این خیانت بزرگ به جنبش فدائی، اشخاص مشخصی از جمله آقایان مهدی فتاپور، فرخ نگهدار، جمشید طاهری-پور و علی توسلی (حسن، که اواسط دهه هفتاد به آغوش جمهوری اسلامی بازگشت)، نقش ویژه-ای ایفاء کردند. آقای فرخ نگهدار در اولین انتخابات کمیته سیاسی باتکاء تقلب در آراء توسط دوقلوی ناتنی-اش آقای مهدی فتاپور به مرکزیت سازمان راه یافت. اخراج و تصفیه-های سازمانی و اولین انشعاب بزرگ در سازمان، نتیجه مستقیم تسلط این گروه بر سازمان بود. گروه نامبرده، که هنوز در رأس رهبری بود، بعد از خروج از ایران و در مهاجرت، با یارگیری از میان نوجوانان مهاجر، دوباره به قدرت نمایی پرداخته و سازمان را به جولانگاه تجار و سوداگران تبدیل کردند. آنها به جای تلاش برای حفظ جان رفقای باقی مانده در زیر فشار و خفقان جمهوری اسلامی، اعضاء، هواداران و کادرهای سازمان را به معاملات تجاری مشغول نمودند. آقای فرخ نگهدار علاوه بر سرقت اسناد سازمان در تاشکند، بهمراهی آقای علی توسلی و با کمک یکی از نوچه-هایشان مشهور به «کریم کفاش» اموال و دارئی-های سازمان را غصب و با وزارت اطلاعات ایران وارد معاملات تجاری شدند. بعد از تجزیه اتحاد شوروی، سیاست این گروه آشکارتر شد و خزنده-وار به پایان ایدئولوژی سوسیالیسم، ایدئولوژی رهایی بشریت از چنگال سرمایه و استثمار و بردگی، مهر تأیید زده، آرمان خواهی سوسیالیستی، انسانیت، دفاع از طبقه کارگر و زحمتکشان را از برنامه سازمان حذف و دفن کردند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که تا کنون یازده کنگره برگزار کرده است، منهای کنگره اول، که بخش اعظم منتخبین اعضاء هم نتوانستند در آن شرکت نمایند، بقیه کنگره‌ها بدون دخالت اعضاء و شرکت نمایندگان منتخب، با شرکت یک گروه تقریباً ثابت، خودخوانده و بی-صلاحیت برگزار گردیده است. و لذا، فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با در نظر داشت توضیحات فوق، با تمام مسئولیت اعلام می-دارد:

— همه کنگره-های سازمان برخلاف مفاد اساسنامه سازمانی و عرف رایج برگزار شده و تمام مصوبات و قرارهای آنها، فاقد اعتبار حقوقی هستند؛

— رهبری خودخوانده و بورژوائی سازمان، اعم از شورای مرکزی و هیئت سیاسی — اجرائی آن، فاقد صلاحیت رهبری بر تشکیلاتی هستند که بر اساس نظریه مارکسیستی — لنینیستی بنیان نهاده شده است؛

— رهبری غیرمنتخب و خودسر سازمان، بلحاظ ماهیت و برنامه بورژوائی خود، نمی-تواند بعنوان یکی از میراث-داران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شمرده شود؛

— همه حاملان نظریات بورژوا — لیبرالی، لیبرال — دمکراسی، سوسیال — دمکراسی و بطور کلی، همه چرچیلیستهای مدعی رهبری بر سازمان، که داوطلبانه صفوف سازمان مارکسیست — لنینیستی را ترک نکرده و همچنان برای تخریب بقایای سازمان و پراکندن نیروهای آن از درون اصرار می ورزند، عوامل تخریبی سرمایه داری شناخته می-شوند؛

— فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همه فدائیان پیرو سوسیالیسم را به اتحاد و مبارزه برای افشاء و طرد نیروهای نفوذی بورژوازی از صفوف سازمان، بازسازی و بازگرداندن این سازمان کمونیستی به صفوف نیروهای چپ و مترقی کشورمان فرامی-خواند.

— فراکسیون کمونیستی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بعنوان نماینده نظریه کمونیسم علمی، برای پیروزی در مبارزه با هر نوع اپورتونیسم، تجدیدنظرطلبی، انحراف و نفوذ عناصر ارتجاع امپریالیستی در درون سازمان... (اکثریت)، به یاری و پشتیبانی نظری و عملی همه گردانهای چپ ایران و جهان امیدوار است.

اول مرداد ماه ۱۳۸۹